Quran and Hadith Studies علوم قرآن و حدیث

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/ Vol. 54, No. 2: Issue 109, Autumn & Winter 2022-2023, p.245-263

Online ISSN: 2538-4198 Print ISSN: 2008-9120

Receive Date: 13-03-2021 Revise Date: 03-07-2022 Accept Date: 20-07-2022

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2022.69372.1075 Article type: Original

The process of validating hadith according to *Shaykh Anṣārī*'s view

Hadi Hemmatiyan (Corresponding author),Seminary and Masters graduate, Al-Mustafa International University

Email: hadavi5@yahoo.com

Mahdi Hemmatiyan, Professor, Al-Mustafa International University

Abstract

This study aims to explain the validation process of *Shaykh Anṣārī* by using a descriptive-analytical method. In every science, the methodology causes a revolution in education and research and creates positive developments. So, it is necessary to clarify the system by which the great jurists such as *Shaykh Anṣārī* authenticated the hadiths. According to *Shaykh Anṣārī*'s view, the validation of a hadith is not limited to the evaluation of its *isnad*. Instead, the narration's validity can be changed by the intra-textual indications such as conformity of the hadith content with the intention of the Quran, the tradition, and reason, the excellence of its content, and lack of slang, as well as extra-textual indications including the source of the hadith, the frequency and repetition of its content in several books, and the act of the earlier scholars. In the evaluation of the hadith, he considers both isnad and text as well as the intra-textual and extra- textual indications. Each of these three factors may have a clue that compensates the weakness of the hadith and consequently, brings confidence in the issuance of the tradition by the infallible Imam (AS). The introducing and explaining *Shaykh Anṣārī*'s model and method of validating the hadiths can be considered as the results of this study.

Keywords: Validation of hadith, System of hadith studies, Issuance authenticity, *Shaykh Anṣārī*

علوم قرآن و حدیث

Quran and Hadith Studies

سال ۵۴ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰۹ - پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ص ۲۶۳ - ۲۴۵

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/

شاپا چاپی ۹۱۲۰-۲۰۰۸

شاپا الکترونیکی ۴۱۹۸-۲۵۳۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۹

نوع مقاله: پژوهشی

DOI:https://doi.org/10.22067/jquran.2022.69372.1075

فرایند اعتبارسنجی حدیث از منظر شیخ انصاری

هادی همتیان(نویسنده مسئول)

دانش آموخته سطح ۴ حوزه قم و کارشناس ارشد خانواده، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

Email: hadavi5@yahoo.com

دکتر مهدی همتیان

استاد گروه قرآن و حقوق، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

چکیده

این نوشتار به‌روش توصیفی‌تحلیلی درصدد تبیین فرایند اعتبارسنجی شیخ انصاری در حدیث است. روش‌شناسی در هر علمی سبب انقلابی آموزشی و پژوهشی و تحولات مثبت در آن علم می‌شود؛ ازاین‌رو تبیین نظام حدیث‌شناسی فقیهان بزرگی همچون شیخ انصاری ضروری است. اعتبارسنجی حدیث از نگاه شیخ انصاری منحصر به ارزیابی سند نیست؛ بلکه وجود قرینه‌های درون‌متنی؛ ازجمله هماهنگی محتوای حدیث با روح قرآن، سنت و عقل، علوّ مضمون و مبرابودن آن از رکاکت و قرینه‌های برون‌متنی همچون منبع حدیث، فراوانی و تکرار محتوا در کتب متعدد و عملِ پیشینیان می‌تواند سرنوشت حدیث را عوض کند. وی در ارزیابی، به مجموع سند، متن و قرینه‌های درون‌متنی و برون‌متنی توجه می‌کند. هرکدام از این سه مؤلفه می‌تواند حاوی نشانه‌ای باشد که ضعف موجود در سند را جبران کند و سبب اطمینان به صدور روایت از معصوم(ع) شود. دستاورد پژوهش حاضر را می‌توان معرفی و ارائهٔ نظام اعتبارسنجی و روش ارزیابی حدیثی شیخ انصاری دانست.

واژگان کلیدی: اعتبارسنجی حدیث، نظام حدیث‌شناسی، توثیق صدوری، شیخ انصاری.

مقدمه

مهمترین جهت و کارکرد حدیث، حکایت‌گری آن از سنت است. درستی حکایت‌گری حدیث، بر اساس فرایندی احراز می‌شود که اصطلاحاً اعتبارسنجی حدیث نامیده می‌شود. کارآمدی حدیث، متوقف بر اصالت‌سنجی و اعتبارسنجی آن است؛ ازاین‌رو، بر اساس فرایندی مشخص لازم است سه جنبهٔ صدور، جهت صدور و دلالت حدیث بررسی شود (خوئی، معجم رجال الحدیث، ۲۰/۱؛ حسینی شیرازی، ۱۰۰).

احادیث متواتر از آن نظر که برای انسان علم‌آورند، معتبر به شمار می‌آیند، اما شمار راویان در خبر واحد به‌گونه‌ای نیست که علم‌آور باشد؛ ازاین‌رو، خبر واحد برای اینکه معتبر به شمار آید نیازمند ملاک و معیار است (شهید ثانی، ٦٤/۱). در خبر واحد لازم است بر اساس فرایندی، ملاک اعتبار یا عدم‌اعتبار آن خبر بررسی و اعتبارسنجی شود. مهمترین دلیل در حجیت خبر واحد، سیرهٔ عقلاست. دو نظریه و رویکرد اصلی دربارهٔ تحلیل سیرهٔ عقلائی وجود دارد: رویکرد وثوق سندی و رویکرد وثوق صدوری. رویکرد وثوق سندی بر این باور است که عقلا گزارشی را می‌پذیرند که گزارش‌دهنده/دهندگان آن، ثقه و معتمد باشند و کسی را که به این گزارش بی‌اعتنایی کند مؤاخذه می‌کنند. در این رویکرد، نقطه اتکای اعتبارسنجی حدیث، بر راویان و ویژگی‌های آنان قرار می‌گیرد و قرائن دیگر، مدنظر قرار نمی‌گیرد. محقق خوئی دراین باره می‌گوید: «هر خبری از معصوم(ع) حجت به شمار نمی‌آید، تنها اخبار ثقه و حسن حجت است و تشخیص خبر ثقه و حسن تنها با مراجعه به علم رجال و دانستن احوال راویان و تشخیص ثقه و حسن آن‌ها از ضعیفشان است؛ «ان کل خبر عن معصوم لایکون حجة، و انما الحجة هو خصوص خبر الثقة او الحسن. و من الظاهر أن تشخیص ذلک لایکون الا بمراجعة علم الرجال و معرفة احوالهم و تمییز الثقة و الحسن عن الضعیف» (خوئی، معجم رجال الحدیث، ۲۰/۱). مهمترین ویژگی راوی، وثاقت است. وثاقت به‌معنای اطمینان و اعتماد است و شرط تحقق آن، ضبط و صداقت است. ویژگی دیگر، صحت مذهب به معنای اعتقاد به امامت دوازده امام، بدون کم‌وزیاد است (شیخ بهائی، ۳۹؛ شبیری، ٥٦). در این رویکرد، روایات به چهار دستهٔ صحیح، موثق، حسن و ضعیف تقسیم می‌شوند (شیخ بهائی، ۲۵؛ ترابی، ۲۱٤). روایت معتبر در رویکرد وثوق سندی، روایتی است که سند صحیح، حسن یا موثق داشته باشد و در مقابل، روایت ضعیف روایتی است که این‌چنین نباشد. عوامل مختلفی چون افتادگی در سند، سبب ضعف روایت می‌شوند (شیخ بهائی، ۲۵).

در مقابل، رویکرد وثوق صدوری است. در این رویکرد، همهٔ قرائن اعم از افزاینده یا کاهندهٔ اعتماد نسبت به خبر در نظر گرفته می‌شود. وثاقت راویان نیز یکی از قرائن به شمار می‌آید (حر عاملی، ۲٤۳/۳۰). موافقان این رویکرد، بر این باورند که با وجود یک راوی ضعیف نمی‌توان روایت را ضعیف

انگاشت؛ زیرا ممکن است از قرینه‌های دیگر، اعتبار روایت ثابت شود. قرینه‌ها و نشانه‌ها تنها در سند خلاصه نمی‌شوند و ذکرنکردن راوی در کتاب‌های رجالی، دلیل ضعف وی نیست. بر اساس این دیدگاه، اعتماد داشتن یا نداشتن به گزارش راویان، موضوع ویژۀ حدیث نیست، بلکه از قواعد عمومی، عرفی و فراگیر پذیرفتن خبر و گزارش در جامعۀ بشری پیروی می‌شود. مهمترین شاخص‌های پذیرش خبر در این رویکرد عبارت‌اند از: ۱. اهمیت گزارش و مفاد و مضمون آن؛ ۲. قرائن همراه گزارش اعم از داخلی و خارجی؛ ۳. منبع خبر (گوینده یا گویندگان)؛ ۴. آثار پدیدآمدۀ مبتنی بر پذیرش یا نپذیرفتن گزارش. این رویکرد، مبتنی بر قبول مطلق یا رد مطلق هر خبر و گزارش نیست، بلکه باتوجه‌به معیارهای مطرح شده، طیفی گسترده و منعطف از اعتماد کامل تا عدم‌اعتماد را برای گزارش‌ها محتمل می‌کند (طباطبایی، ١٦٧).

انتخاب یکی از این دو رویکرد و اثبات کارآمدی آن متوقف بر شناخت و ارزیابی اندیشۀ صاحبان این دو رویکرد است. شیخ انصاری از اندیشمندان برجستۀ رویکرد توثیق صدوری به شمار می‌رود؛ ازاین‌رو تبیین فرایند اعتبارسنجی ازنظرِ ایشان به شناخت رویکرد کارآمد در اعتبارسنجی حدیث و درک نقاط ضعف رویکرد دیگر کمک شایانی می‌کند. مسئلۀ اصلی نوشتار حاضر این است که شیخ انصاری از چه مؤلفه‌هایی و به چه کیفیتی به ارزیابی حدیث می‌پردازد؟ و مراحل اعتبارسنجی حدیث نزد ایشان به چه نحوی است؟

پرداختن به مسئلۀ محل بحث از جهاتی مهم و ضروری است؛ روش‌شناسی در هر علمی سبب انقلابی آموزشی و پژوهشی در آن علم و باعث تحولات مثبت بر پایۀ داشته‌های قبلی خواهد شد؛ این انقلاب علمی، سنت را بارور و به‌روز و نیازهای فعلی را به‌خوبی برآورده می‌کند. از طرف دیگر، مجموعه ای منظم و کامل برای آموزش اعتبارسنجی حدیث به‌شکل کاربردی برای دانشجویان فراهم می‌شود. در نوشتار حاضر به روش توصیفی تحلیلی و به‌وسیلۀ بررسی منابع و اسناد به‌صورت کتابخانه‌ای با رویکردی اجتهادی به مسئله پرداخته می‌شود.

مسئلۀ اعتبارسنجی حدیث از عصر تابعین آغاز شد. اعتبارسنجی حدیث در زمان معصومان(ع)، دریافت درستِ احادیث و مواظبت در فرایند فهم و انتقال و درنهایت حفظ و مکتوب‌کردن احادیث ایشان بوده است. اولین تألیف در نیمۀ قرن اول هجری از کاتب حضرت علی(ع) به نام عبیدالله‌بن‌ابی رافع صورت پذیرفت. در قرن دوم و اوائل قرن سوم عبدالله‌بن‌جبلة الکنانی و ابن‌فضال و ابن‌محبوب در احوال شخصیت‌ها مطالبی تدوین کردند که متأسفانه اثری از آن‌ها باقی نمانده است. آثار مربوط به اعتبارسنجی حدیث از قرن چهارم به بعد همچون رجال کشیّ امروزه موجودند (سبحانی، ۵۷). اعتبارسنجی در سده‌های نخست پس از غیبت با اطمینان به صدور و محتوا صورت می‌پذیرفت. باوجود قرینه‌های اطمینان

آور در خصوص روایات و نیز نسخه‌های اصلی حدیثی به‌راحتی راجع به صدور حدیث اطمینان حاصل می‌شد؛ ازاین‌رو ملاک اعتبار روایت تا سدهٔ ششم هجری، وثوق صدوری برآمده از قرینه‌های ایجابی و سلبی در منابع روایی و از راوی و محتوای روایت بوده است. عالمانی چون سیدمرتضی و ابن‌ادریس نیز باوجوداینکه حجیت خبر واحد را انکار می‌کردند، اعتبار خبر و گزارش محفوف به قرائن را پذیرفته بودند (علم‌الهدی، ۳۱۲؛ سبحانی، ۳۵۸).

در سدهٔ هفتم هجری و با تلاش‌های سید احمدبن‌طاووس و علامه حلی، شیوهٔ اعتبارسنجی روایت، متحول شد. رویکرد جدیدی که همان رویکرد وثوق سندی باشد در مقابل وثوق صدوری معرفی و تقویت شد. ایشان دلیل ارائهٔ رویکرد جدید را کاهش قرائن اثرگذار قدمائی نزد متأخران و نیاز به تأسیس یک ضابطهٔ علمی دقیق، فنی و درخور سنجش و بازخواست برای اعتبارسنجی بیان کردند. با وجود شرایط مزبور، بهترین راهکار، ارزیابی سندی بر اساس وثاقت راویان واقع در سلسلهٔ اسناد روایت محسوب می‌شد (شیخ بهائی، ۳۱).

تغییر رویکرد عالمان از معیار وثاقت صدوری به معیار وثاقت سندی سبب آن شد که بسیاری از متون حدیثی پیشین که نزد قدمای اصحاب امامیه، معتبر و صحیح تلقی می‌شدند؛ مثل کتاب تحف العقول بر اساس سنجش با معیار جدید، معتبر شمرده نشوند. رویکرد تمرکز بر سند روایت و وثاقت راوی در آثار عالمانی همچون علامه حلی، شهید ثانی، صاحب معالم و صاحب مدارک نمودی ویژه یافت. اصرار بر شیوهٔ سندمحور و زیاده‌روی در ضعیف‌شمردن بسیاری از حدیث‌های موجود در جوامع حدیثی کهن، به ویژه کتب اربعه به واکنش گروهی از عالمان و پدیدآمدن اخباریان منجر شد. در رویکرد ایشان، اعتمادبخشی کامل به روایات، به‌ویژه روایات کتب اربعه دیده می‌شود (خوئی، معجم رجال الحدیث، ۲۲/۱).

در مرحلهٔ بعد، وحید بهبهانی تفکر اخباریگری را برانداخت و دوباره به طرح‌ریزی و تقویت شیوهٔ قدما در اعتباربخشی و اعتمادسازی در خصوص حدیث بر اساس داشته‌های موجود زمانه پرداخت. با وجود ازبین‌رفتن بسیاری از قرائن موجود در کنار روایات در سده‌های آغازین، نیاز به پی‌ریزی ملاک‌ها و معیارهایی برای اعتبارسنجی روایات، امری واضح بود (طباطبایی، ۱۶۸). وحید بهبهانی رویکرد متقدمان را به‌روزرسانی کرد و شیوه‌ای را در اعتبارسنجی حدیث ایجاد کرد که در ادامه شاگردانش همچون شیخ انصاری آن را در نظام فقاهت خویش به کار بستند. پس از ایشان، رویکرد وثوق سندی و وثوق صدوری در کنار هم به حیات خود ادامه دادند تا اینکه محقق خوئی دوباره به‌شدت نظریهٔ وثوق سندی را تقویت و اجرایی کرد (معجم رجال الحدیث، ۱۳/۱).

پژوهش مستقلی پیرامون فرایند اعتبارسنجی شیخ انصاری یافت نشد؛ البته در پژوهشی از آقای دیمه کار و باقری به برخی موارد از روش حدیث‌شناسی شیخ انصاری پرداخته شده، درحالی‌که به فرایند اعتبارسنجی و نظام ارزیابی حدیثی شیخ اشاره‌ای نشده است. هدف از نوشتار حاضر، تبیین مؤلفه‌های مهم در اعتبارسنجی حدیث و فرایند مرحله‌به‌مرحلهٔ آن نزد شیخ انصاری و درنهایت تبیین نظام ایشان در ارزیابی حدیث است؛ ازاین‌رو، در پژوهش حاضر سعی می‌شود به دو پرسش پاسخ داده شود: ۱. اجزای نظام اعتبارسنجی حدیث نزد شیخ انصاری کدام‌اند؟ ۲. نظام شیخ انصاری در ارزیابی حدیث چگونه است؟ در ادامه، به سؤال اول و سؤال دوم پاسخی مستدل داده خواهد شد تا در پرتوِ این پاسخ‌ها، فرایند اعتبارسنجی حدیث با رویکرد شیخ انصاری مشخص شود.

۱. اجزای اعتبارسنجی حدیث در رویکرد شیخ انصاری

شیخ انصاری در اعتبارسنجی حدیث از چه مؤلفه‌هایی استفاده می‌کند؟ شناخت و تبیین مؤلفه‌های اصلی در ارزیابی حدیثی شیخ انصاری، نقش مهمی در تبیین فرایند اعتبارسنجی حدیثی ایشان ایفا می‌کند؛ ازاین‌رو، در ادامه به مؤلفه‌هایی پرداخته می‌شود که مدنظرِ شیخ انصاری در ارزیابی حدیث است.

۱. ۱. قرینه‌های داخلی

قرینه‌های داخلی مربوط به بدنهٔ حدیث اعم از سند و متن می‌شود. در ادامه قرینه‌های مربوط به سند و متن بررسی می‌شود.

أ. قرینه‌های مربوط به سند :شیخ انصاری در اولین گام، به وضعیت سند حدیث و نشانه‌ها و قرینه‌های موجود در سند توجه می‌کند و مراحلی را می‌گذراند که عبارت‌اند از:

مرحلهٔ اول، تشخیص سند ازنظر اتصال یا انفصال و رفع ابهام از سند:با دقت در اولین سخنان شیخ انصاری در ارزیابی احادیث در فقه دانسته می‌شود که ایشان ابتدا با استفاده از دانش طبقات راویان به تشخیص اتصال یا انفصال سند می‌پردازد و مسند یا مرسله‌بودن حدیث را مشخص می‌کند (انصاری، احکام الخلل، ۲۰۲؛ همو، رسالة في المواريث، ۱۰۰/۱). در ادامه سعی می‌کند در صورت وجود تعلیق، تحویل و ابهام ناشی از ضمیر و تذییلِ با استفاده از قرینه‌ها، مشکل سند را حل کند؛ البته ممکن است هیچ قرینه‌ای برای حل مشکل سند نیابد و روایت را کنار بگذارد (همو، احکام الخلل، ٥٦). در پایان این مرحله، تکلیف سند ازنظرِ سلسله راویان و خالی‌بودن از ابهام مشخص می‌شود (شیخ بهائی، ٨٤)؛ به طور نمونه ایشان در مسئلهٔ شک در رکعات نماز دورکعتی به حدیث بقباق استناد می‌کند و چنین می‌گوید: «اضمار روایت، ضرری نمی‌رساند؛ زیرا ظاهر این است که بقباق از غیرمعصوم روایت نمی‌کند. همچنین بزرگانی مانند حسین‌بن‌سعید و حماد روایت او را نقل می‌کنند و ازآنجا که بقباق غالباً از امام صادق(ع)

حدیث نقل می‌کند، مراد از ضمیر در «قال لی» دانسته می‌شود» (انصاری، احکام الخلل، ٥٦).

مرحلهٔ دوم، ارزیابی سند ازنظر تصحیف یا تحریف و وجود اشتراک و اختلاف: پس از تشخیص سند، نوبت به تنقیح سند می‌رسد. شیخ انصاری در این مرحله در صورت وجود اشتراک، اختلاف و تصحیف، به تمییز مشترکات و توحید مختلفات و برطرف‌کردن تصحیف یا تحریف می‌پردازد (همو، کتاب الطهارة، ۲۳۷/۱؛ همو، احکام الخلل، ٥٦ و ٦٢؛ همو، رسالة فی الرضاع، ٤٤١). در سند برخی روایات، عناوینی یافت می‌شود که ظرفیت اطلاق بر چند نفر از راویان را دارد؛ به این عناوین، مشترکات می‌گویند. بحث از مشترکات و تعیین مراد از آن‌ها در بسیاری از مباحث رجالی مؤثر است؛ مخصوصاً زمانی‌که عنوان بین ثقه و غیرثقه مردد باشد (شیخ بهائی، ٨٤)؛ به‌طور مثال در سندی، یونس مردد باشد بین یونس‌بن‌عبدالرحمن و یونس‌بن‌یعقوب که هر دو ثقه هستند و بین یونس‌بن‌ظبیان که ضعیف است؛ ازاین‌رو، تعیین مراد، اثر بزرگی در صحت یا ضعف سند دارد.

عامل اساسی در پدیدآمدن اشتراک، اختصار به‌دلیل اعتماد بر اسناد سابق است؛ ازاین‌رو، بهترین کار برای حل اشتراک عناوین، رجوع به مصادر اصلی است و درصورتی‌که مصادر اصلی موجود نباشند رجوع به سایر روایات باب، حتی روایات متأخر توصیه می‌شود. در فرضی که به‌وسیلهٔ روایات باب مشکل حل نشود، آنگاه به اسناد مشابه برای یافتن قرینهٔ معینه رجوع می‌شود. مهم در تمییز مشترکات، دقت در طبقهٔ راویان است؛ بنابراین، برای تمییز مشترکات، ملاحظهٔ طبقه، ملاحظهٔ راوی و مروی‌عنه برای عنوان مشترک و ارتباط سندی بین راویان از عوامل مؤثر به شمار می‌روند (شبیری، ٦٥تا٧٢)؛ برای نمونه، شیخ انصاری در حدیث محمدبن‌قیس از امام باقر(ع)، مشکل اشتراک محمدبن‌قیس بین ثقه و ضعیف را با قرائنی برطرف می‌کند؛ ازجمله اینکه شیخ طوسی آن را از کتب بنو فضال نقل کرده است (انصاری، رسالة فی الرضاع، ٤٤١) و راجع به روایت صحیح از صفوان می‌گوید: در سند روایت هیچ مشکلی نیست، مگر اشتراک محمدبن‌عبدالله؛ ولی ازآنجاکه صفوان از اصحاب اجماع و «لایروی عن ثقه» است، مشکل برطرف می‌شود (همو، کتاب الصلاة، ٥٧٩/٢).

شناخت تحریف‌ها و راه‌های رسیدن به اصل سند همچون تمییز اشتراک در تنقیح سند مهم است. شیخ انصاری در بحث غسل جنابت با مطرح‌کردن فرض تصحیف «منها» از «فیها» در روایت ابوبصیر، ظهور آن را در ترتیبی انجام‌دادن غسل جنابت نمی‌پذیرد (کتاب الطهارة،۲۳۷/۱ و ٥٩/٣). در روایت فضیل نیز بعد از تضعیف محمدبن‌سنان می‌گوید: بعید نیست که زیادت «ثمّ ترضع عشر رضعات» از تحریفات وی باشد؛ زیرا این بخش در کتاب الفقیه شیخ صدوق نیامده است (کتاب النکاح، ۳۱۰).

مرحلهٔ سوم، ارزیابی راویان حدیث ازنظرِ وثاقت: در مرحلهٔ سوم باتوجه‌به وجود توثیقات خاص و عام

یا تضعیف نسبت به راویان، احوال ایشان بررسی می‌شود. از دیـدگاه شـیخ انصـاری عوامـل گونـاگونی بـر پدیدآمدن وثوق صدوری و افزایش اعتبار حدیث، اثرگذارند؛ ولی راویان و سلسله اسناد در پدیدآمدن وثوق نزد وی نقـش مهمـی دارنـد (حـر عـاملی، ۲۴۳/۳۰). بـه سـخن دیگـر، ویژگـی راوی نقـشِ محـوری در اعتمادافزایی به حدیث دارد؛ البته شهرت، تخصص و مهـارت راوی، سـبب اعتمـاد بیشـتری در خصـوص صدور حدیث از معصوم(ع) می‌شود (طباطبایی، ۱۷۰). اطمینان به راوی گاهی از تصریح یا ظـاهر سـخن معصوم(ع) یا خبرگان رجالی به دست می‌آید که اصطلاحاً توثیق خاص نامیده می‌شود و گـاهی از ضـابطه های کلی به دست می‌آید که توثیق عام گفته می‌شود (شبیری، ۵۷).

توثیقات خاص: شیخ انصاری در ارزیابی حدیث توجه ویژه‌ای به توثیقات خاص دارد (کتاب الصـلاة، ۷۱/۱؛ رسالة فی المواریث، ۱۷۹). ایشان در کتاب طهارت راجع به روایت بکربن‌حبیـب (کلینـی، ۱۴/۳) می‌گوید: «و لیس فی سنده سوی «ابن‌حبیب» المرمی فی المـدارک بالجهالـة لکـنّ الظـاهر أنّـه «بکـربن محمدبن‌حبیب» الّذی ظاهر المحکی عن النجاشی و صریح الخلاصة أنّه من علماء الامامیة، و حکی ابـن داود عن الکشّی أنّه ثقة»؛ در سند روایت مشکلی نیست، مگر ابن‌حبیب که صـاحب مـدارک او را بـه‌دلیـل مجهول بودن طرد کرده است. اما ظاهر آن است که ابن‌حبیب همـان بکـر بـن محمـد باشـد کـه از سـوی نجاشی و علامه حلی و کشّیّ موردتوثیق قرار گرفته است» (انصـاری، کتـاب الطهـارة، ۱۰۰/۱). همچنـین دربارهٔ روایت عبادبن‌صهیب (کلینی، ۵۴۷/۳) به توثیق نجاشی نسبت به او توجه می‌دهد (انصاری، رسـالة فی المواریث، ۲۰۲). ایشان در کتاب صلاة نیز در بحث از سند روایتِ عبیدبن‌زرارة (حر عـاملی، ۱۵۷/۴) می‌گوید: «و لیس فی سند هذه الروایة من یتوقّف فی شأنه سوی الضحاک‌بن‌زیـد، و الظـاهر أنّـه ابومالـک الحضرمی الذی حکی فیه عن النجاشی أنّه ثقة ثقة»؛ فردی در سند روایت نیست که در مقامش شک باشد به‌جز ضحاک‌بن‌زید، البته ظاهر این است که او ابومالک حضرمی باشـد کـه نجاشـی در ترجمـه‌اش گفتـه است: ثقة، ثقة (انصاری، کتاب الصلاة، ۴۶/۱).

توثیقات عام: توثیقات عام نزد شیخ انصاری در فرایند اعتبارسنجی حدیث، پراستفاده هستند. در ادامـه به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود.

اصحاب اجماع: اصحاب اجماع، یک گروه ویژهٔ هجده نفره از راویان حدیثی هستند کـه نـزد عالمـان شیعه، شاخص به شمار می‌روند و اعتبار خاصی دارند (حر عاملی، ۲۲۱/۳۰؛ انصـاری، احکـام الخلـل، ۹۶). از سخنانی که شیخ طوسی از کشیّ نقل کرده است، دانسته می‌شود کـه اصـحاب اجمـاع عـلاوه بـر محدث‌بودن، فقیهانی زبردست بوده‌اند که بر جداسازی روایات صحیح از جعلی توانایی داشـتند و مرجـع شیعیان در رفع شبهات بوده و از هر کذب و جعلی منزه بوده‌اند (طوسی، اختیار، ۲۳۸ و ۳۷۵ و ۵۵۶).

در رویکرد رجالی شیخ انصاری اگر سند روایتی تا اصحاب اجماع صحیح باشد، افراد پیش از او محل تحقیق قرار نخواهند گرفت و روایت صحیح است؛ بنابراین مراسیل، مسانید و مرفوعات اصحاب اجماع همه ازنظرِ اعتبار یکسان خواهند بود (طبسی، ۳۰؛ انصاری، کتاب الخمس، ٣٠٤). ایشان در فقه در موارد زیادی با استفاده از نقل اصحاب اجماع، ضعف روایت را برطرف می‌کند (کتاب الطهارة، ۸۳/۱؛ کتاب النکاح، ۳۱۱). او در بحث از حجیت خبر واحد چنین می‌گوید: «اصحاب به روایتی که به قرینه‌ها و نشانه‌ها تکیه کرده و تقویت شده باشد، عمل کرده‌اند؛ ازجمله قرینه‌ها و نشانه‌ها سخن کشّیّ است: «اجمعت العصابة علی تصحیح مایصح عن جماعة». منظور از تصحیح آن است که خبر این گروه درست است و به آن عمل می‌شود (همو، فرائد، ۱۵۸/۱).

شیخ انصاری در اعتبارسنجی حدیث از این قرینه زیاد استفاده می‌کند؛ برای نمونه در استناد به روایت ابی‌بصیر (کلینی، ۳۵۵/۳) می‌گوید: «و أما اشتراک «ابی‌بصیر» فلایضر بعد کون الراوی عنه «ابان‌بن عثمان» الذی اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصحّ عنه»؛ اما اشتراک ابی‌بصیر ضرری به حجیت روایت نمی‌زند، زیرا ابان‌بن‌عثمان که از اصحاب اجماع است از او حدیث را نقل کرده است (انصاری، احکام الخلل، ٦٢) و در استناد به روایت موثق بصری (طوسی، تهذیب، ۱۵۱/۲) به‌دلیل روایت ابان‌بن‌عثمان و نقل بزنطی به این نکته می‌پردازد که هر دو از اصحاب اجماع‌اند و روایتشان صحیح است (انصاری، احکام الخلل، ٩٦). همچنین در روایت ابن‌مسلم (طوسی، تهذیب، ٣٤٤/٢) به نقل ابن‌بکیر و صفوان که از اصحاب اجماع‌اند اشاره کرده و این روایت را بر دو روایت صحیح ترجیح داده است (انصاری، احکام الخلل، ۱۰۰). در جای دیگر به مرسلهٔ یونس عمل می‌کند (طوسی، تهذیب، ۱۰۵/۱)، به‌دلیل اینکه از اصحاب اجماع است (انصاری، کتاب الطهارة، ۱۳/۳).

مشایخ الثقات: توثیق مشایخ ثقات در اصطلاح رجالی، همان توثیق اساتید روایی بی‌واسطه یا باواسطهٔ سه فقیه از فقهای اصحاب اجماع سوم است؛ یعنی محمدبن‌ابی‌عمیر، صفوان‌بن‌یحیی و احمدبن‌محمدبن ابی‌نصر بزنطی (ترابی، ۱۲۵). شیخ انصاری بر وثاقت اساتیدِ این سه نفر از عالمان تصریح می‌کند و به شهادت بزرگانی چون نجاشی و شیخ طوسی استناد کرده است؛ «الذین عرفوا بأنهم لایروون و لایرسلون الا عمن یوثق به»، این عالمان تنها از کسانی نقل حدیث می‌کنند که مورداطمینان باشند ازاین‌رو آن‌ها نیز توثیق می‌شوند (همو، کتاب الصلاة، ۳۳۶/۱).

شیخ انصاری در روایتی که از طریق موسی‌بن‌بکیر واقفی نقل شده، می‌گوید: «ظاهر، ثقه‌بودن اوست زیرا صفوان از او حدیث نقل کرده است» (رسالة فی المواریث، ۱۷۹). ایشان در روایت علاءبن‌فضیل، ضعف سند را در محمدبن‌سنان دانسته است، اما باتوجه‌به قرائنی همچون نقل صفوان و روایت اجلاء آن را

برطرف کرده است؛ «... مثل روایة الاجلّاء عنـه، خصوصـاً صـفوان الّـذی لایـروی الّا عـن ثقـة» (کتـاب الطهارة، ۸۳/۱).

همچنین برخی دیگر از بزرگان امامیه همچون احمدبن‌محمدبن‌عیسی اشعری، بنو فضـال و جعفـربن بشیر بجلی از آن جمله هستند؛ بر این اساس اساتیدشان توثیق می‌شوند (سبحانی، ۲۷۳). شـیخ انصـاری در استناد به روایتی که شیخ طوسی در تهذیب آورده، چنین می‌نویسد: «در سند، به‌جز داود الصرمیّ مسئله ای نیست. البته جهل به صرمی با وجود نقل احمدبن‌محمدبـن‌عیسـی از او بی‌ضـرر اسـت؛ بـه‌دلیل آنکـه احمدبن‌عیسی کسانی که روایت ضعیف نقل می‌کردند، مثل برقی و سهل‌بن‌زیاد را از قـم اخـراج کـرد. بـا وجود این رویه چگونه راضی می‌شود خودش از غیرثقه حـدیث نقـل کنـد؟» (کتـاب الصـلاة، ۸۳/۱). در بحث وقت نماز ظهر نیز به روایت داودبن‌فرقد استناد می‌کند و چنین می‌گوید: «و هذه الروایـة و إن کانـت مرسلة الّا أنّ سندها الی الحسن‌بن‌فضال صحیح، و بنو فضال ممن امر بالاخـذ بکتـبهم و روایـاتهم»؛ ایـن روایت اگر چه مرسله است اما در سندش تا حسن‌بن‌فضال صحیح است (و از حسن تا امام هـم نیـازی بـه بررسی ندارد)، زیرا نسبت به استفاده از روایات و کتاب‌هایشان امر شده است؛ از امام عسگری(ع) در شأن علی‌بن‌فضال و پدرش و برادرانش و کتاب‌هایشان چنین آمده که «خذوا ما رووا و ذروا ما راوا؛ آنچه روایـت کردند، بگیرید و رأی‌شان را رها کنید (رسالة فی التحریم من جهة المصاهرة: ٤٤١؛ کتاب الصلاة، ٣٦/١). در جای دیگر در استناد به حدیث جابر جعفی می‌گوید: در سند روایت کسانی هسـتند کـه سـند را از حـد اعتبار خارج می‌کنند؛ ولی اعتماد قمی‌ها و نقل این روایت از آن‌ها بـا وجـود شـناختی کـه از حساسـیت و دقت آن‌ها در نقل حدیث وجود دارد، فی‌الجمله ضعف سند را جبران می‌کند (کتاب المکاسب، ٢٤٥/٢).

مرحلهٔ چهارم، بررسی قرائن برای تعدیل یا تقویت سند:در مرحلهٔ چهارم، قرینه‌ها و نشانه‌ها به‌منظـور تعدیل یا تقویت نقاط ضعف راویان مدنظر قرار می‌گیرند. پس از گذراندن مراحل سه‌گانهٔ قبلی، روایـت بـه یکی از عناوین صحیح یا ضعیف متصف می‌شود. صحت سند بعد از بررسی نبـودِ مـانع، قرینـه محکمـی برای ایجاد اطمینان نزد شیخ انصاری است. شایان‌ذکر است که اعراض مشهور در عمل به حدیث یا وجود روایت متعارض ازجمله اموری است که می‌تواند جلوی ایجاد اطمینان را بگیـرد. در مقابـل، ضـعف سـند حدیث سبب نمی‌شود که شیخ انصاری آن را کنار بگذارد، بلکه ایشان به‌دنبال قرینـه‌هـا و نشـانه‌هـایی کـه روایت را احاطه کرده‌اند می‌رود؛ اگر نشانه‌ای بر ایجاد اطمینان راجع به تعدیل نقاط ضعف سند پیدا شد به آن عمل می‌کند و در غیر این صورت، روایت را کنار می‌گذارد (انصاری، رسالة فی الوصایا، ۷۹). در ادامه، به قرینه‌ها و نشانه‌های مربوط به متن حدیث و درنهایت قرینه‌های خارجی می‌پردازیم.

۱. ۱. ۱. قرینه‌های مربوط به متن

هماهنگی محتوای حدیث باروح قرآن و سنت، علوّ مضامین و پیرایگی از الفاظ و محتـوای ناشایسـت قرینـه‌های محکمـی بـر صـدور آن از سـوی معصـوم(ع) اسـت (طباطبـایی، ۱۷۱). شـیخ انصـاری در اعتبارسنجی حدیث، توجه ویژه‌ای به مضمون آن دارد و مؤلفه‌هایی همچون موافقت محتوا با قـرآن، سـنت قطعی و عقل را در متن حدیث بررسی می‌کند (رسالة فی الرضاع، ٣٦٦).

أ. موافقت محتوای حدیث با قرآن و سنت قطعی

موافقت حدیث با قرآن کریم یکی از قرینه‌های مهم نزد شیخ انصاری در رسیدن به اطمینـان راجـع بـه صدور حدیث از معصوم(ع) است و نقش مهمی در نظام ارزیابی او در جبـران ضـعف سـند حـدیث ایفـا می‌کند (همو، کتاب النکاح، ٣٠٦ و ٣١١)؛ برای نمونه، ایشان در روایت ابن‌سوقه (حر عـاملی، ۳۷۴/۲۰) به ضعف عمار ساباطی از نظرِ مذهب اشاره می‌کند، ولـی بـا اسـتفاده از قرائنـی ازجملـه موافقـت روایـت مذکور با قرآن کریم به آن عمل می‌کند (انصاری، رسالة فی الرضاع، ۳۶۶) و در جای دیگـر می‌گویـد: «و ضعف السند لو سلّم منجبر بموافقة الکتاب و فتوی الاصحاب»؛ و ضعف سند اگر پذیرفتـه شـود بـه‌سـبب موافقت با قرآن و فتوای اصحاب جبران می‌شود (همو، کتاب الطهارة، ۲۰۸/۴).

شیخ انصاری در مواردی نیز ضعف سند را به‌دلیل موافقت با مضـمون روایـاتِ پذیرفتـه‌شـده برطـرف می‌کند؛ برای نمونه، در جایی که خواندن سورهٔ حمد در قرائت فراموش‌شده، بـه دو روایـت سـماعه و ابـی بصیر استناد می‌کند و ضعف سند در آن دو را به‌دلیل موافقـت مضـمون بـا اطـلاق روایـات دیگـر برطـرف می‌کند؛ «و ضعف السند مجبور بموافقة مضمونه لاطلاقات الامر بالقراءة و عدم‌صلاة الّا بفاتحة الکتـاب» (احکام الخلل فی الصلاة، ۷۷ و ۷۹).

ب. موافقت محتوای حدیث با عقل

جایگاه عقل در نظام اجتهادی شیخ انصاری بسیار حائز اهمیت است (انصاری، فرائـد، ۱۸/۱). دلیـل عقل در اعتبارسنجی حدیث نزد شیخ انصاری بر دلیل نقلی مقدم است. ایشان دراین‌باره می‌نویسد: «کلمـا حصل القطع من دلیل عقلی فلا یجوز أن یعارضه دلیل نقلی»؛ هر زمانی که قطع از دلیل عقلی حاصل شد دیگر دلیل نقلی نمی‌تواند در مقابلش بایستد (همان، ۱۸/۱). ایشان در مواردی روایت را به‌دلیل مخالفت بـا حکم عقل، ضعیف دانسته و کنار گذاشته است؛ برای نمونه، روایاتِ دال بر سهو النبی را به‌دلیل مخالفت با عقل قطعی، کنار می‌گذارد (رسائل، ۳۲۲).

ج. حدیث شاذ نباشد.

به خبری که راوی آن ثقه ولی مضمون آن برخلاف مضمون روایت مشهور باشد، خبر شاذ گفته می‌شود

(ترابی، ۲۱٦). شاذبودن یکی از ملاک‌های ضعف حدیث نزد شیخ انصاری است (انصاری، کتاب الصلاة، ۷۹/۱ و ۳۰۲ ؛ ٤۲/۳). ایشان روایتی را که صدوق در امالی نقل می‌کند به‌دلیل مخالفت با روایت صحیح بزنطی شاذ می‌داند (کتاب الخمس، ۱۳٤)و نیز روایت ابن‌حمزه را به‌دلیل مخالفت با اخبار فراوان شاذ می‌داند (کتاب الزکاة، ۹). همچنین روایت سکونی (کلینی، ۴۳۶/۵) را به‌سبب اینکه در مقابل صحیحِ عبدالرحمن‌بن‌حجاج (کلینی، ۴۳۶/۵) قرار گرفته، شاذ و استنادناپذیر دانسته است (انصاری، رسالة فی التحریم من جهة المصاهرة، ۴۱۵).

۱. ۲. قرینه‌های خارجی

شیخ بهائی در مشرق الشمسین حدیث صحیح ازنظرِ قدما را چنین تبیین می‌کند: «کان المتعارف بینهم اطلاق الصحیح علی کل حدیث اعتضد بما یقتضی اعتمادهم علیه، او اقترن بما یوجب الوثوق به و الرّکون الیه»؛ متعارف، بین قدما چنین بوده که هر حدیثی پشتوانه‌اش اموری باشد که سبب جلب اعتماد شود یا همراه باشد با قرینه‌هایی که سبب اطمینان و اعتماد بر آن شوند، صحیح می‌گفتند (۲۶). ایشان در ادامه قرینه‌های تقویت حدیث که سبب اطمینان می‌شوند را بیان کرده است. بعد از شیخ بهائی، شیخ حر عاملی در خاتمهٔ کتاب گران‌سنگ وسائل‌الشیعه به بیان قرائن معتبر بر اعتبار حدیث می‌پردازد (۲۴۱/۳۰).

باتوجه‌به نظام اعتبارسنجی شیخ انصاری در ارزیابی حدیث که ادامهٔ شیوهٔ قدما، شیخ بهائی و شیخ حر عاملی است به مهمترین مؤلفه‌ها و نشانه‌های بیرون از متن حدیث که سبب تقویت آن می‌شوند می‌پردازیم.

۱. ۲. ۱. منبع حدیث

منبع حدیث ازنظرِ قدمت، شهرت، مقبولیت و ضابط‌بودن مؤلف مدنظرِ عالمان حدیث‌شناس قرار می‌گیرد. بخشی از نظام حدیث‌شناسی شیخ انصاری را نشانه‌های مربوط به منبع حدیث شکل می‌دهند. هم‌عصربودن یا نزدیک‌تربودن به زمان صدور سنت؛ همچنین شهرت و مقبولیت کتاب نزد عالمان حدیثی و اندک‌بودن روایات ناشناخته و نامأنوس، سبب اعتماد بیشتر به آن کتاب خواهد بود (طباطبایی، ۱۷۰)؛ ازاین‌رو، در رویکرد رجالی شیخ انصاری توجه ویژه‌ای راجع به جوامع روایی اصلی دیده می‌شود و یکی از قرینه‌های پربهره برای اطمینان به صدور روایت از معصوم است، همچنان که شیخ حر عاملی روایتگری از کتاب‌های اصلی حدیثی را مهم می‌داند: «یکی از قرینه‌های معتبر در ایجاد اطمینان این است که حدیث در کتاب‌های اصلی روایی که مورد اجماع هستند یا در کتاب یکی از بزرگان حدیث باشد» (۲٤٤/۳۰).

براین‌اساس، آمدن حدیث در کتاب‌های چهارگانه؛ ازجمله کافی، تهذیب، استبصار و کتاب من لایحضره الفقیه، قرینه و نشانهٔ مهمی بر درستی و اعتبار روایت در نظر شیخ انصاری است، هرچند در سند

روایت ضعفی وجود داشته باشد. شیخ انصاری از این قرینه بسیار استفاده می‌کند و در موارد متعدد بر اینکه حدیث از مشایخ ثلاثه نقل شده است، تمرکز می‌کند (الاجتهاد، ۲٦۳ ؛ رسالة فی التحریم من جهة المصاهرة، ٤۲۰ ؛ رسالة فی المواریث، ۲۱۵ ؛ رسالة فی الوصایا، ۷۹؛ کتاب الخمس، ۱۰۷). برای مثال، در استناد به حدیث مرسلی (ابن‌بابویه، الفقیه، ۲۲٤/٤) چنین می‌نویسد: «و ما عن المشایخ الثلاثة عن ابان عن رجل»؛ و آنچه از شیخ صدوق، طوسی و کلینی از ابان از فردی نقل شده است؛ بدین معنا که ابهام رجل با وجود نقل مشایخ ثلاث بی‌ضرر است (انصاری، رسالة فی المواریث، ۲۱۵).

۱. ۲. ۲. نقل بزرگان مورد اعتماد

شیخ انصاری، روایت بزرگانِ مورداعتماد از یک راوی را نشانه‌ای بر وثاقت او و جابر ضعف سند می‌داند. ایشان در مسئلهٔ وقت نماز عصر، روایت عبیدبن‌زراره از امام صادق(ع) را بیان می‌کند و دربارهٔ سند آن می‌گوید: «در سند حدیث مسئله‌ای به‌جز قاسم‌بن‌عروة نیست. او توثیق خاص ندارد، اما چون گروهی از بزرگان؛ ازجمله حسین‌بن‌سعید، برقی، و عباس‌بن‌معروف از او نقل حدیث می‌کنند، حدیث به صحت نزدیک می‌شود و این نشانه‌ای بر وثاقت اوست (کتاب الصلاة، ٤۷/۱). همچنین در موردی، روایت محمدبن‌مسلم را به‌دلیل نقل بزرگانی همچون جمیل‌بن‌دراج و علاءبن‌رزین بر روایت متعارض ترجیح می‌دهد و چنین استدلال می‌کند: «فالانصاف أنّ روایات محمدبن‌مسلم الصحیحة عنه بروایة الاجلّاء الثقات مثل جمیل‌بن‌دراج و العلاءبن‌رزین لایحصل الوهن فی صدورها بمجرّد ورود روایتین او ثلاث ظاهرة فی خلافها»؛ انصاف این است که با وجود نقل بزرگانی همچون جمیل‌بن‌دراج و علاءبن‌رزین به مجرد وجود دو یا سه روایتی که در ظاهر مخالف‌اند، در صدور روایت شکی پیش نمی‌آید (کتاب الصلاة، ۵۸۶/۲).

۱. ۲. ۳. فراوانی و تکرار محتوای حدیث در کتب متعدد

فراوانی و تکرار محتوا در روایات متفاوت و با تقریرها و بیان‌های گوناگون، سبب استفاضهٔ مضمونی و افزایش اطمینان می‌شود (انصاری، رسائل، ۳۲۱). شیخ انصاری در موارد فراوانی از هم‌مضمونی با روایات پذیرفته‌شده در تقویت روایتی بهره می‌برد؛ برای نمونه، در کتاب مواریث چنین می‌نویسد: «هم‌مضمون این روایت، روایت موثقی است که ثقةالاسلام کلینی و شیخ طوسی از ابن‌حجاج از امام کاظم(ع) نقل می‌کنند؛ و فی معناها ما عن ثقة الإسلام و الشیخ فی الموثق عن ابن‌الحجاج عن ابی‌الحسن(ع) ...» (رسالة فی المواریث، ۲۱۲) و نیز در کتاب صلاة به موثقهٔ جمیل‌بن‌دراج استناد می‌کند و چنین می‌نویسد: «و بمضمونها اخبار کثیرة اخر، مثل روایة محمدبن‌عیس»؛ هم‌مضمونِ روایت جمیل، روایات دیگری مثل روایت‌بن‌عیسی وجود دارد (کتاب الصلاة، ۹۵/۱ و ۳۱۳؛ رسائل، ۹۱؛ احکام الخلل، ۵۷).

۱. ۲. ۴. ذکر روایت با چند سند در یک کتاب

اگر روایتی در یکی از منابع حدیثی با چند سند از معصوم نقل شود، همین کثرت نقل، دلیل اعتبار روایت خواهد بود. برای نمونه، شیخ انصاری در استناد به روایت مرسلهٔ فقیه (ابن‌بابویه، الفقیه، ٤٢٠/٤) دربحث ولایت‌فقیه تصریح می کند که روایت در کتاب عیون اخبار الرضا با سه طریق آمده است (همو، عیون، ۲۵/۲).

۱. ۲. ۵. عمل پیشینیان از اصحاب و فقیهان متقدم

عمل اصحاب ائمه(ع) یا فقیهان متقدم به حدیثی سبب اطمینان به صدور آن از معصوم(ع) و جابر ضعف سند می‌شود. شیخ انصاری در ارزیابی حدیث در موارد متعدد به عمل اصحاب راجع به محتوای آن توجه می‌کند (کتاب الطهارة، ٣٥٦/١). ایشان در مسئلهٔ مربوط به خلل و نقصان در نماز می‌نویسد: «روایت مرسله به‌دلیل عمل مشهور کمتر از روایت صحیح بزنطی نیست» (احکام الخلل، ۷۰). در کتاب الطهارة نیز ضعف روایت علی‌بن‌ابی‌حمزه بطائنی (طوسی، تهذیب، ۲۳۵/۱) را با عمل ابن‌ادریس به آن جبران کرده است (۲۲۹/۱).

چنان‌که بیان شد ایشان در موارد متعددی ازجمله روایت ابی‌بصیر، شهرت عملی را جابر ضعف سند می‌داند (انصاری، کتاب الزکاة، ۳۰). در کتاب الخمس با استناد به روایت عماربن‌مروان چنین می‌نویسد: «أنّ روایةابن‌مروان کافیة فی المسئلة، سیما بعد الاعتضاد، بما عرفت من الشهرة و الاجماع المحکی»؛ در مسئلهٔ، روایت‌ابن‌مروان بعد از تقویت به‌وسیلهٔ شهرت عملی و اجماع منقول، کافی است (۱۰۸).

۱. ۲. ٦. مدرسهٔ حدیثی

در نظر عالمان رجالی، مدرسهٔ حدیثی در افزایش یا کاهش اعتماد به روایت تأثیرگذار است. هریک از مدارس حدیثی؛ مثل کوفه، قم، بغداد و حلّه ویژگی‌های خاص خود را دارند که سبب افزایش یا کاهش اعتماد به منابع حدیثی و روایات آن‌ها می‌شود (طباطبایی، ۱۷۰). شیخ انصاری به روایات مشایخ قم توجه خاصی دارد و آن را سبب توثیق و درستی کسی که از او روایت می‌کند، می‌داند؛ برای نمونه دربارهٔ حدیث جابر جعفی چنین می‌نویسد: «در سند روایت، کسانی هستند که آن را بی‌اعتبار می‌کنند، ولی ازآنجاکه بزرگان قمی بر این روایت و راویانش اعتماد کرده‌اند و با وجود شناختی که از بزرگان قم در دست است، به گونه‌ای که روایتی را که راوی آن ضعیف باشد در کتاب‌هایشان نقل نمی‌کنند مگر اینکه به‌طور کامل مطمئن شوند، حدیث مورداعتماد می‌شود؛ و فی سند الروایة جماعة تخرجها عن حدّ الاعتبار، الّا أنّ اعتماد القمّیین علیها و روایتهم لها، مع ما عُرِف من حالهم لمن تتبّعها من أنّهم لایخرّجون فی کتبهم روایة فی راوی‌ها ضعف الّا بعد احتفافها بما یوجب الاعتماد علیها، جابر لضعفها فی‌الجملة» (کتاب المکاسب،

۲۴۵/۲).

۲. نظام شیخ انصاری در ارزیابی حدیث

با مطالعهٔ موردی (case study)، راجع به موضوعات فقهی محل استناد به حدیث، می‌توان نظام علمی شیخ انصاری را در عمل به حدیث تبیین کرد. منظور از نظام، اصطلاح معادل با سیستم در زبان انگلیسی است. سیستم، کل سازمان‌یافته‌ای است که از اجزای به‌هم‌پیوسته و دارای تعامل باهم، به‌منظور رسیدن به هدف خاصی تشکیل‌شده است؛ عملکرد هریک از اجزا، به‌وسیلهٔ هدف اصلی سیستم تعیین می‌شود و این هدف ازطریق به اجرادرآمدن فرایندهایی تحقق می‌یابد (همتیان، ۲۴).

با نگاه نظام‌مند (سیستماتیک) به عملکرد شیخ انصاری می‌توان به‌نحو شایسته، فرایند دقیق و ضابطه مند حدیث‌شناسی او را شناخت. نظام اعتبارسنجی حدیث نزد شیخ انصاری از دو نظر بررسی می‌شود:یکی اجزای تشکیل‌دهندهٔ‌نظام و دیگری کیفیت ارتباط بین اجزاست.

اجزای حدیث‌شناسی شیخ انصاری شامل مبانی رجالی، قرینه‌های درون‌متنی و قرینه‌های برون‌متنی می‌شود. مبانی رجالی، گزاره‌هایی است که در علم رجال و درایه بررسی می‌شود. مباحث مربوط به راویان، تشخیص و تنقیح سند و نیز مباحث مربوط به معنای حدیث و سایر قرینه‌های درون‌متنی و برون‌متنی، اجزای اصلی حدیث‌شناسی شیخ انصاری را شکل می‌دهند. در این نوشتار تاکنون به بررسی اجزا و مؤلفه‌های نظام حدیث‌شناسی شیخ پرداخته شد و از اینجا به بعد سعی می‌شود کیفیت ارتباط بین اجزا تبیین شود.

جهت دوم در نظام حدیث‌شناسی شیخ انصاری کیفیت ارتباط بین اجزاست. کیفیت ارتباط بین اجزا، همان فرایند ارزیابی حدیث است که بر اساس چگونگی استفاده از مؤلفه‌ها و چگونگی مراحل و گام‌های برداشته‌شده مشخص می‌شود. نحوهٔ شروع و پایان، نحوهٔ استفاده از اجزا و کیفیت جمع‌بندی بین اجزا، جهت دوم در نظام حدیث‌شناسی را مشخص می‌کند. با شناخت این فرایند می‌توان روش اعتبارسنجی شیخ انصاری را تبیین کرد. بدون تردید، شیخ انصاری از اساتید صاحب‌سبک در دانش روش اجتهاد و فقاهت دینی است؛ ازاین‌رو، کشف روش اجتهادیِ وی در اعتبارسنجی حدیث بسیار حائز اهمیت است.

در نظام حدیث‌شناسی شیخ انصاری، اعتبار حدیث، متوقف بر خالی‌بودن سند از ضعف‌ها نیست؛ بلکه نشانه‌های درون‌متنی و برون‌متنی نیز به‌اندازهٔ سند، در حجیت حدیث مؤثرند. ایشان بامهارت وافری که در علوم عقلی، نقلی، رجال و درایه دارد به کشف ویژگی‌های مثبت و منفی در سند و متن روایت می‌پردازد و تلاش می‌کند باتوجه‌به نشانه‌های داخلی و خارجی از مجموع سند و متن، راجع به حجیت یا عدم‌حجیت حدیث به اطمینان برسد (انصاری، کتاب الطهارة، ۱۰۰/۱؛ کتاب الصلاة، ۲٤۱/۱).

با دقت در سخنان شیخ انصاری در ارزیابی احادیث در فقه دانسته می‌شود که ایشان در اعتبارسنجی حدیث، فرایند مشخصی را طی می‌کند. وی در گام اول به ارزیابی سندی و به‌دست‌آوردن نشانه‌های داخلی و خارجی مربوط به سند می‌پردازد، سپس در گام دوم، متن حدیث را و نشانه‌های داخلی و خارجی آن را مدنظر قرار می‌دهد و در پایان به جمع‌بندی می‌پردازد؛ بدین صورت که اگر ضعف سند وجود داشت و قرینه‌ای داخلی یا خارجی یافت شده بود، به جبران ضعف سند می‌پردازد، در غیر این صورت حدیث را کنار می‌گذارد. بنابراین، نظام اعتبارسنجی شیخ انصاری از رابطهٔ متن و سند و به‌دست‌آوردن نشانه‌های درون‌متنی و برون‌متنی تشکیل شده است و هیچ‌گاه منحصر در ارزیابی سندی نیست. در موارد متعدد، شیخ انصاری با استفاده از نشانه‌های خارج از متن به جبران ضعف سند پرداخته است؛ ازاین‌رو ممکن است حدیث مرسلی که مقبولیت قدمایی دارد، اعتباری افزون‌تر از حدیث صحیح‌السندی بیابد که مشهور عالمان از آن اعراض کرده و بدان فتوا نداده‌اند (انصاری، کتاب الطهارة، ٤٧١/١؛ طباطبایی، ۱۷۳).

مهمترین ویژگی اعتبارسنجی حدیث در رویکرد شیخ انصاری استفاده از مجموع قرائن و تقویت ظنی و گمان به‌وسیلهٔ قرینه‌های مختلف و درنهایت رسیدن به اطمینان است. ایشان با استفاده از مجموع قرینه‌های داخلی و خارجی حدیث و با استفاده از آن‌ها به‌دنبال رسیدن به اطمینان است (انصاری، رسالة فی الوصایا، ۷۹). ایشان بر اساس روش اجتهادی خویش در مواردی براثر تراکم ظنون به اطمینان می‌رسد؛ برای نمونه شیخ انصاری در کتاب خمس در اینکه مراد از «ذوی‌القربی» در آیهٔ خمس، امام معصوم(ع) است به روایت موثق ابن‌بکیر (حر عاملی، ۵۱۰/۹)، مرفوعه و مرسلهٔ حمادبن‌عیسی(کلینی، ۵۳۹/۱) و روایت سلیم (طوسی، تهذیب، ١٢٦/٤) و تعداد دیگری از روایات استناد می‌کند و ضعف سند در برخی از آن‌ها را به‌سبب شهرت عملی و اجماع منقول از سید مرتضی و شیخ طوسی و فاضل مقداد و طریحی جبران می‌کند (۲۹۲).

نتیجه‌گیری

روش‌شناسی در هر علمی سبب انقلابی آموزشی و پژوهشی در آن علم و تحولات مثبت بر پایهٔ داشته‌های قبلی خواهد شد؛ این انقلاب علمی، سنت را بارور و به‌روز و نیازهای فعلی را به‌خوبی برآورده می‌کند. از طرف دیگر بدون تردید، شیخ انصاری از بزرگ‌ترین اساتید صاحب‌سبک در دانش روش اجتهاد و فقاهت دینی است؛ ازاین‌رو کشف روش اجتهادی وی در اعتبارسنجی حدیث بسیار حائز اهمیت است.

شیخ انصاری در فرایندی نظام‌مند به ارزیابی حدیث می‌پردازد. از نگاه شیخ انصاری عدم ضعف سند ازنظرِ راویان، اتصال، عدم‌ابهام و مانند آن، تنها راه حجیت حدیث نیست؛ بلکه از نشانه‌های درون‌متنی و

برون‌متنی در جبران ضعف سند نیز نباید بی‌بهره ماند. ایشان بین متن، سند و قرینه‌های خارجی همچون عمل مشهور رابطه برقرار می‌کند و با استفاده از ارتباط قرینه‌های مربوط به متن و سند، ضعف سند حدیث را جبران می‌کند. به‌طور طبیعی، شیخ انصاری در اعتبارسنجی حدیث از بررسی‌های سندی همچون بررسی راویان و تشخیص سند ازنظرِ اتصال یا انفصال و رفع ابهام از سند، ارزیابی را شروع می‌کند، ولی در صورت وجود ضعف در سند آن را کنار نمی‌گذارد؛ بلکه به سراغ ارزیابی متن و قرینه‌های درون‌متنی و برون متنی به‌منظور تعدیل یا تقویت نقاط ضعف سند می‌رود.

شیخ انصاری از قرینه‌های درون‌متنی همچون هماهنگی محتوای حدیث با روح قرآن، سنت و عقل، علوّ مضمون و پیرایگی آن از الفاظ و محتوای ناشایست، استفادهٔ شایانی می‌برد و نیز از قرینه‌های برون‌متنی که بر اساس سنجش حدیث با خارج از آن به دست می‌آیند، بسیار استفاده می‌کند. مهمترین نشانه‌های برون‌متنی عبارت‌اند از: منبع حدیث، نقل بزرگان مورداعتماد، فراوانی و تکرار محتوای حدیث در کتب متعدد، ذکر روایت با چند سند در یک کتاب، عمل پیشینیان از اصحاب و فقیهان متقدم و مدرسهٔ حدیثی.

در این نوشتار سعی شد به نظام اعتبارسنجی حدیثی شیخ انصاری توجه شود و الگوی مناسبی در مباحث حدیث‌شناسی ارائه شود؛ ازاین‌رو شایسته است در پژوهش‌های دیگری به‌شیوهٔ اندیشمندان بزرگی همچون آخوند خراسانی در اعتبارسنجی حدیث پرداخته شود.

منابع

ابن‌بابویه، محمدبن‌علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، چاپ‌اول، تهران: جهان، ۱۳۷۸ق.

ــــــــــــــــ، کتاب من لا یحضره الفقیه، چاپ‌دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.

انصاری، مرتضی‌بن‌محمدامین، کتاب المکاسب، چاپ‌اول، قم: کنگرهٔ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.

ــــــــــــــــ، احکام الخلل فی الصلاة، چاپ‌اول، قم: کنگرهٔ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۳ق.

ــــــــــــــــ، الاجتهاد و التقلید؛ مطارح الانظار، چاپ‌اول، قم:آل البیت(ع)، بی‌تا.

ــــــــــــــــ، رسالة فی التحریم من جهة المصاهرة، چاپ‌اول، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.

ــــــــــــــــ، رسالة فی الرضاع، چاپ‌اول، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.

ــــــــــــــــ، رسالة فی المواریث، چاپ‌اول، قم: کنگرهٔ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.

ــــــــــــــــ، رسالة فی الوصایا، چاپ‌اول، قم: کنگرهٔ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری،

۱۴۱۵ق.
ـــــــــــــــــ، رسائل فقهیة، چاپ‌اول، قم: کنگرۀ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۴ق.
ـــــــــــــــــ، فرائد الاصول، چاپ‌پنجم، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.
ـــــــــــــــــ، کتاب الخمس، چاپ‌اول، قم: کنگرۀ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
ـــــــــــــــــ، کتاب الزکاة، چاپ‌اول، قم: کنگرۀ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
ـــــــــــــــــ، کتاب الصلاة، چاپ‌اول، قم: کنگرۀ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
ـــــــــــــــــ، کتاب الطهارة، چاپ‌اول، قم: کنگرۀ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
ـــــــــــــــــ، کتاب النکاح، چاپ‌اول، قم: کنگرۀ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
ترابی، اکبر، پژوهشی در علم رجال، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، ۱۳۸۶.
حر عاملی، محمدبن‌حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چاپ‌اول، قم: آل‌البیت(ع)، ۱۴۰۹ق.
حسینی شیرازی، سیدعلیرضا، اعتبارسنجی احادیث شیعه، چاپ‌دوم، تهران: سمت، ۱۳۹۸.
خوئی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهة؛ المکاسب، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
ـــــــــــــــــ، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
دیمه‌کار، محسن و محمدمهدی باقری، «واکاوی شیوه‌های شیخ انصاری در نقد سند حدیث»، فقه و اصول، ش۲، ۱۳۹۵، صص ۶۵تا۸۷.
سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، چاپ‌دوم، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.
شبیری، محمدجواد، اصول الرجال، چاپ‌اول، نجف: دار البذرة، ۱۴۳۹ق.
شهید ثانی، زین‌الدین‌بن‌علی، الرعایة فی علم الدرایة، قم: مکتبة آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۸ق.
شیخ بهائی، محمدبن‌حسین، مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین مع تعلیقات الخواجوئی، چاپ‌اول، مشهد: آستان قدس، ۱۴۱۴ق.
طباطبایی، سیدمحمدکاظم، مبانی حدیث‌شناسی، چاپ‌اول، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۸.
طبسی، نجم‌الدین، آشنایی اجمالی با علم رجال، قم: مؤسسۀ آموزشی‌پژوهشی مذاهب اسلامی، بی‌تا.
طوسی، محمدبن‌حسن، اختیار معرفة الرجال، قم: آل‌البیت(ع)، ۱۴۰۴ق.
ـــــــــــــــــ، تهذیب الاحکام، چاپ‌چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
علم‌الهدی، علی‌بن‌الحسین و دیگران، الانتصار، چاپ‌اول، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، قم، ۱۴۱۵ق.

کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، چاپ‌چهارم، بی‌جا: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.

نجاشی، احمدبن‌علی، رجال، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.

همتیان، هادی، تأثیر متقابل عمل و شخصیت بر یکدیگر از منظر قرآن و حدیث، به‌راهنمایی محمد همتیان، پایان‌نامهٔ سطح سه حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۹۸.